

حکومت اسلامی ایران دشمن اصلی آزادی بیان و اندیشه و حامی تروریسم در جهان است!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

خبر بسیار هولناک و تکان‌دهنده بود: جوانی هجده ساله، آموزگار تاریخ و آزادی بیان را در چند قدمی مدرسه در شهری در حومه پاریس الله‌اکبرگویان سر برید و خود نیز با مقاومت در برابر پلیس کشته شد. واقعا «جرم» این آموزگار چه بود و چه کرده بود که پناهنده‌ای که نه او را می‌شناخت و نه در آن شهر زندگی می‌کرد و نه شاگردش به عملی چنین ترسناک دست زد و با «افتخار»، سر از بدن جدا شده قربانی را در تونل به نمایش گذاشت؟

یک جوان ۱۸ ساله چینی‌تبار متولد مسکو به نام «عبدالله آنوروف»، عصر روز جمعه ۲۵ مهر ۱۳۹۹ حوالی ساعت ۵، هنگام خروج مقتول از مدرسه با قمه به او حمله کرد و سپس سر او را برید. بعد از آن تصویر سر بریده شده را در توییتر منتشر کرد و با خطاب کردن امانول ماکرون، رییس جمهوری فرانسه را «رهبر کفار» خواند و نوشت: «یکی از سگ‌های جهنمی تو را که جرات جسارت به محمد را به خود داده بود، کشتم.»

در پاسخ به این پرسش‌ها، نگاه کنیم به آنچه که آموزگار ۴۷ ساله، ساموئل پاتی، را قربانی ذبح اسلامی کرد: در برنامه آموزشی مدارس فرانسوی، پس از مدرسه ابتدایی، در دوره چهار ساله کالج، پیش از ورود به دبیرستان، ساعت‌هایی به آموزش مدنی و شهروندی اختصاص دارد که در آن اصول پایه‌ای سیستم دموکراتیک و لائیک انقلاب فرانسه، یعنی «آزادی و برابری و برادری»، همراه با لائیسیته (جدایی دین و دولت) به بحث و بررسی گذاشته می‌شود.

بار دیگر سر بریدن معلم در ارتباط با کاریکاتورهای پیامبر اسلام که در نشریه طنز شارلی ابدو منتشر شده بود، مردم فرانسه و جهان را در بهت فرو برده است.

شایان ذکر است که پس از ترور این آموزگار فرانسوی، برخی مقامات و رسانه‌های رسمی حکومت اسلامی ایران سعی کردند آدرس اشتباهی به مردم بدهند: آن‌ها «خواستار حمایت غرب از سپاه قدس شدند.» سپاه قدس یکی از مخوفترین نیروهای وحشت و ترور حکومت اسلامی در فعالیت‌های خارجی آن است و عمده فعالیت‌های آن علاوه بر ترور مخالفین و آموزش و تسلیح گروه‌های تروریستی شیعه، قاچاق مواد مخدر و اسلحه، به‌ویژه راه‌انداختن جنگ‌های موسوم به «جنگ‌های نیابتی» در کشورهای منطقه است. این رسانه‌های حکومت اسلامی، حتی به‌نوعی خوشحالی خود را از این واقعه تکان‌دهنده و وحشیانه نیز مخفی نکردند.



در حالی که تقریباً تمام شهروندان آگاه جهان از این واقعه، سخت تکان‌خورده و شوکه شده بودند تنها رسانه‌های حکومت اسلامی ایران بودند که نه تنها این اقدام تروریستی را صراحتاً محکوم نکردند، بلکه به‌نوعی خواهان حمایت غرب از «سپاه قدس» یعنی سپاه جنگ و ترور و وحشت و مافیایی شدند.

امروز در معادلات جهانی قدرت و نزاع‌های حکومت‌های اسلامی مثل ترکیه و ایران و عربستان، موضوع اسلام و وضعیت مسلمانان در کشورهای غربی به بهانه‌ای برای سوءاستفاده‌های سیاسی تبدیل شده است.

برای نمونه علی خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی ایران نیز که خود را «ولی امر مسلمین جهان» می‌داند، چاپ دوباره کاریکاتورهای پیامبر اسلام در نشریه شارلی ابدو را «گناه بزرگ و نابخشودنی یک نشریه فرانسوی» خوانده است.

خامنه‌ای، روز سه‌شنبه، ۱۸ شهریور ۱۳۹۹، در پیامی به چاپ دوباره کاریکاتورهای پیامبر اسلام در مجله طنز فرانسوی، شارلی ابدو، واکنش نشان داد. او در پیام خود این امر را «جرم بزرگ» خواند و مسئله محکوم نکردن آن از سوی سیاستمداران فرانسوی به‌خاطر آزادی بیان را «کاملاً مردود و غلط» دانست.

خامنه‌ای گفت که از نظر او سیاستمداران غربی نسبت به اسلام و مسلمانان «دشمنی دارند» و «ملت‌های مسلمان به‌ویژه کشورهای غرب آسیا ... باید هرگز» این امر را فراموش نکنند.

رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهور ترکیه که حکومتش را در زمان زمامداری خود به چالشی اساسی برای غرب تبدیل کرده، در واکنش به اظهارات اخیر ماکرون، موضوع اسلام در فرانسه را نیز به چالشی دیگر در روابط آنکارا - پاریس تبدیل کرد.

او گفت: «مکرون طی اظهاراتی در یک شهر دارای اکثریت مسلمان، اسلام را دین بحران‌زده دانست. این سخن او، بی‌احترامی و تحریک‌آمیز بود.» به‌ادعای اردوغان، «حمله به مسلمانان به یکی از اصلی‌ترین ابزار سیاستمداران اروپایی برای سرپوش گذاشتن بر شکست‌هایشان تبدیل شده است.»

کاریکاتورهای پیامبر اسلام که در شماره اخیر مجله شارلی ابدو منتشر شد اولین بار در سال ۲۰۰۶ توسط یک روزنامه دانمارکی به‌نام «یولاندس پستن» چاپ شده بودند.

به‌نوشته مجله لوبس، قاتل جوان چچنی که سر معلم فرانسوی را برید در شبکه‌های اجتماعی مرتباً جملاتی از قرآن و نیز مطالب دیگری را با این مضمون که دولت عربستان «کافر» است، هم‌رسان می‌کرد. او در یکی از آخرین پست‌های خود در شبکه‌های اجتماعی خبر این که ایران بازنشر کاریکاتورهای پیامبر اسلام در شارلی ابدو را محکوم کرده، هم‌رسان کرده بود. به این ترتیب او یکی از طرفداران حکومت اسلامی ایرا نبوده است.

سامونل پتی، یک پدر بود و طبق گزارش‌ها کلاسی که یک ماه قبل تدریس آن را بر عهده گرفت درباره آزادی بیان بود. گفته می‌شود او در حالی که درباره حمله به مجله طنز شارلی ابدو صحبت می‌کرد، کارتونی‌هایی از محمد را نشان داده بود. از وی نقل قول شده است به دانش‌آموزان مسلمان توصیه کرده بود که اگر فکر می‌کنند ممکن است از دیدن آن تصاویر احساس می‌کنند که به آن‌ها توهین می‌شود، می‌توانند کلاس را ترک کنند. اولیای برخی از دانش‌آموزان مسلمان به مدرسه شکایت کردند و دست‌کم یکی از آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی خواستار برکناری پتی شد. رسانه‌های فرانسوی می‌گویند پتی تهدیدهای نامشخصی چند روز پس از آن جلسه کلاس دریافت کرد. یکی از دانش‌آموزان سابق پتی می‌گوید که وی شغل خود را دوست داشت و «واقعا می‌خواست که به ما آموزش دهد و بعضی وقت‌ها ما مناظره می‌کردیم.» همه اخبار و گزارشات حاکی از آن است که مقامات امنیتی فرانسه در دفاع از جان این معلم مدافع آزادی بیان و اندیشه، کم‌کاری کرده و به موقع اقدام نکرده‌اند.

اساساً یکی از محورهای اصلی این بحث، نقش و تاثیر لائیسیتیه در تضمین آزادی عقیده و بیان است. (اصل اول قانون اساسی جمهوری فرانسه) در این اصل، آزادی کلیه مذاهب تضمین شده و دولت حق کمک به هیچ‌یک از مذاهب را ندارد. فرد آزاد است از هر مذهبی که مایل است پیروی کند و یا معتقد به هیچ‌یک نباشد. آزادی بیان و سخنانی که ممکن است از جانب برخی مؤمنان کفر تلقی شود، جرم محسوب نمی‌شود. اگرچه هر مذهب و عقیده‌ای می‌تواند برای پیروانش جنبه تقدس داشته باشد، اما لزوماً برای همه مقدس نیست.

البته ناگفته نماند که بر اساس قوانین موجود، دفاع از تبعیض نژادی یا دامن زدن به کینه‌ورزی‌های نژادی، ملی و مذهبی و یا تشویق به جنایت جرم است. بر اساس این قوانین، افرادی که در سخنان و اعمال ضد‌مذهبی شخص و یا گروه یا نهادی محتوای تبعیض‌آمیز می‌یابند، می‌توانند به مراجع قضایی شکایت کنند. وجود راسیسم و تبعیض در کشورهای غربی، از جمله در فرانسه، واقعیتی انکارناپذیر است اما با این وجود مسلمانانی که در این کشورها زندگی می‌کنند مجازند فردی و جمعی سر معلم را ببرند و دست به ترور بزنند؟! یا چرا دولت‌های غربی به‌ویژه دولت فرانسه، به گروه‌های مذهبی و مساجد کمک می‌کنند در حالی که خود می‌دانند در این مراکز غیر از خرافات و جهالت دینی علم و دانش بشری آموزش داده نمی‌شود. یا اجازه بازگشایی مدارس مذهبی. یک دلیل روشن دولت‌های غربی در حمایت از گروه‌های مذهبی آن است که آن‌ها در انتخابات‌شان چشم به آرای مسلمانان دوخته‌اند. آموزگار جان‌باخته در این ساعت درسی، در بحث پیرامون آزادی بیان، با شاگردانش مسئله کاریکاتورهای پیامبر اسلام پرداخته بود.

لازم به یادآوری است که پنج سال پیش، ترور ۱۲ نفر از اعضای هیئت تحریریه هفته‌نامه طنزپرداز شارلی ابدو، به «جرم» بازنشر این کاریکاتورها، بحث‌های اجتماعی گسترده‌ای در فرانسه برانگیخت که در هفته‌های اخیر به‌مناسبت برگزاری دادگاه تروریست‌های این جنایت، از سر گرفته شد. این آموزگار نیز همین بحث‌ها را در ساعت درس پیرامون آزادی بیان با دانش‌آموزان به بحث گذاشته بود.

دادستان مسئول مبارزه با تروریسم اعلام کرد که قتل سامونل پتی، دبیر تاریخ، نتیجه مستقیم تحریکاتی است که به‌ویژه توسط دو نفر، در شبکه‌های اجتماعی انجام گرفته است. این دو که فعلاً در بازداشت هستند، با عبدالله انزاروف، قاتل ۱۸ ساله، ارتباط داشته‌اند.

چند ساعت قبل از برگزاری بزرگداشت مراسم رسمی معلم مقتول، ژان فرانسوا ریکار، دادستان کل مبارزه با تروریسم در یک نشست خبری، آخرین نتایج تحقیقات را توضیح داد. او گفت که تاکنون در این پرونده هفت نفر به شراکت در قتل متهم شده‌اند که دو نفر از آنان کمتر از هجده سال دارند. به‌گفته دادستان، این جنایت با پیام‌های تحریک‌آمیزی که در شبکه‌های اجتماعی پخش شده بود ارتباط مستقیم دارد. رابطه دو نفر از متهمان اینک با قاتل مسجل شده است. این دو، پیام‌هایی علیه دبیر تاریخ منتشر کرده بودند.

دادستان کل همچنین گفت که قاتل، پیش از آن که عکس جسد قربانی خود را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کند، یک پیام نیز به زبان روسی فرستاده و گفته است: «انتقام پیغمبر را گرفتم.» تحقیقات پیرامون شخصیت قاتل ۱۸ ساله و نزدیکانش همچنان ادامه دارد. عبدالله انزاروف، جوان چچن که از کودکی همراه با خانواده به فرانسه پناهنده شده بود، ساعتی پس از ارتکاب جنایت به دست ماموران پلیس کشته شد. پلیس ابتدا شانزده نفر از اقوام و نزدیکان قاتل را بازداشت کرد اما فعلاً هفت نفر در بازداشت مانده‌اند. یکی از بازداشت‌شدگان که «ابراهیم» معرفی شده، پدر یکی از شاگردان کلاس است که در شبکه‌های اجتماعی پیام‌های تحریک‌آمیزی علیه دبیر تاریخ ارسال کرده بود. در حال حاضر پلیس به‌ویژه مشغول بررسی پیام‌هایی است که این پدر خانواده از طریق «واتس‌آپ» با قاتل رد و بدل کرده بوده است.

یکی دیگر از متهمان، عبدالحکیم الصفریوی، مبلغ اسلام‌گرای مراکشی تبار است که او نیز در شبکه‌های اجتماعی، دبیر تاریخ را «اوباش» خوانده بود.

سه نفر از رفقای قاتل نیز در بازداشت هستند. یکی از آن‌ها ظاهراً هنگام خرید سلاح سرد با وی بوده و دو نفر دیگر، قاتل را با اتوموبیل از خانه‌اش تا نزدیکی محل جنایت (حوالی دبیرستان) همراهی کرده‌اند.

و بالاخره دو نوجوان ۱۴ و ۱۵ ساله هم در بازداشت هستند. این دو نفر برای شناسایی مقتول، به عبدالله انزاروف کمک کرده‌اند، چون قاتل قبلاً سامونل پتی را ندیده بود. حتی برخی رسانه‌ها نوشته‌اند که دو نوجوان در ازای مبلغی پول، سامونل پتی را به قاتل نشان داده‌اند.

اما دادسرای ضدتروریسم و دستگاه قضایی فرانسه همچنان با پرسش‌های زیادی مواجهند: آیا «ابراهیم»، پدر یکی از شاگردان و یا عبدالحکیم الصفریوی تا چه اندازه از مقاصد قاتل خبردار بوده‌اند؟ با این‌که ابراهیم در شبکه‌های اجتماعی صریحاً خواستار «بسیج» والدین علیه معلم تاریخ شده، اما صریحاً از اعمال خشونت حرفی نزنده است. دو فرد اخیر به‌شدت از نشان دادن کاریکاتورهای پیامبر اسلام در سر کلاس عصبانی شده و خواستار واکنشی علیه دبیر تاریخ بوده‌اند. ابتدا تصور می‌شد که «ابراهیم» به‌خاطر حضور دخترش در کلاس درس ناراحت و خشمگین بوده، ولی بعداً معلوم شد که دختر، هنگام درس سامونل پتی غایب بوده است.

به‌دنبال قتل سامونل پتی، ظاهراً دولت فرانسه تصمیم گرفته که در برابر فعالیت‌های محافل مذهبی افراطی یا برخی مسجدها سخت‌گیری بیش‌تری نشان دهد. بر این اساس، دو روز قبل مسجد «پانتن»، واقع در حومه شمال شرقی پاریس برای شش ماه بسته شد. دلیل این تصمیم، نزدیکی این مسجد با عناصر افراطی اعلام شده است. دو روز بعد، جمعیت «شیخ یاسین» منحل شد. این گروه چند سال قبل توسط عبدالحکیم الصفریوی پایه‌گذاری شد. به‌گفته مقامات فرانسوی، جمعیت شیخ یاسین با پرونده قتل سامونل پتی ارتباط دارد و بنابراین منحل می‌شود.

اینک بعضی از معلمان به خبرگزاری فرانسه گفته‌اند: «نباید در تله بیفتیم و تصور کنیم که برای تاکید بر آزادی عقیده، باید حتماً کاریکاتورها را به دانش‌آموزان نشان بدهیم.» اما برخی دیگر معتقدند که اصل آزادی بیان باید بدون استتار و ترس به همه دانش‌آموزان آموخته شود. هنوز، وزارت آموزش و پرورش نظری در این باره ارائه نکرده است.

بی‌تردید یکی از اهداف مهم و اصلی تروریست‌های اسلامی جنایت‌کاران اسلامی دامن‌زدن به رعب و وحشت در جوامع مختلف آن است که کسی جرات نکند «مقدسات» تخیلی و خرافی اسلامی را زیر سنوال ببرد. آن‌ها همچون سران و مقامات حکومت اسلامی ایران، دشمن آزادی‌های فردی و جمعی به‌ویژه آزادی بیان و اندیشه برای همگان هستند.

نفوذ اسلام‌گرایی به‌ویژه در مدارس فرانسه به مرحله هشدار دهنده رسیده است. مثلاً بر اساس برخی گزارش‌ها، زمانی که در مدارس برای ادای احترام به قربانیان حمله به نشریه شارلی ابدو یک دقیقه سکوت اعلام شده بود، برخی از دانش‌آموزان این سکوت را رعایت نکردند.

دولت فرانسه ظاهراً مخالف ایجاد مدارس موازی پنهانی برای آموزش‌های افراط‌گرایانه اسلامی است و تاکنون اقدامات ضعیفی در این راستا انجام داده است. به‌عنوان نمونه، به‌تازگی یک مدرسه غیرقانونی که ده‌ها دانش‌آموز را در خود جای داده بود به دلیل آموزش درس‌هایی «خارج از قوانین و اصول جمهوری» فرانسه، در حومه پاریس تعطیل شد. تعداد این کودکان حدود هشتاد کودک و سن آن‌ها حدود سه تا شش ساله بود. پلیس برخی از والدین این کودکان را به دلیل ارتباط با اسلام‌گرایان افراطی بازداشت کرد.

بر اساس گزارش‌ها، ۴۵ درصد موارد نقض لائیسیته در مدارس فرانسه در این دوره رخ داده است. فقط در دو سال گذشته، حدود ده مدرسه غیرقانونی، مرکز مذهبی و سالن‌های ورزشی غیرقانونی که در ارتباط با اسلام‌گرها بوده‌اند در محله سن دونی در شمال پاریس شناسایی و تعطیل شده‌اند.

فقط در بازه زمانی سپتامبر ۲۰۱۹ تا مارس ۲۰۲۰، وزارت آموزش فرانسه ۹۳۵ مورد از نقض لائیسیته در مدارس این کشور را به ثبت رساند.

خانواده‌هایی هستند که از مدرسه رفتن فرزندان‌شان به دلیل مسائل مذهبی جلوگیری می‌کنند یا به مبارزه با نظام آموزشی این کشور می‌پردازند.



محمد جواد لاریجانی که سال‌ها معاون امور بین‌الملل قوه قضاییه و نماینده حکومت اسلامی ایران در شورای حقوق بشر سازمان ملل بوده بدون این که عمل تروریستی را محکوم کند صرفاً انتشار کاریکاتورهای محمد توسط هفته‌نامه فرانسوی «شارلی ابدو» و سربریده شدن سامونل پتی، آموزگار فرانسوی، توسط یک تروریست مسلمان را نتیجه ارزش‌های جمهوری فرانسه و دفاع امانوئل ماکرون از این ارزش‌ها دانسته و مدعی شده که آنچه به انتهای خط نزدیک شده نه اسلام، که لائیسیته یا «سکولاریزم غربی» است.

محمد جواد لاریجانی نوشته است: «هر دو حادثه اتفاق افتاده» یعنی انتشار کاریکاتورهای محمد توسط «شارلی ابدو» و «سربریدن داعشی» سامونل پتی «دست‌پخت‌های همین سکولاریزم غربی است» که به گفته لاریجانی، «آقای ماکرون با حرارت از آن دفاع ایدئولوژیک می‌کند».

لاریجانی، سخنرانی امانوئل ماکرون پس از قتل فجیع سامونل پتی را «وقیحانه» خوانده و او را متهم کرده که «حادثه (سربریده شدن آموزگار فرانسوی) را مستمسکی برای به‌راه‌انداختن موج جدیدی از اسلام‌هراسی در جامعه فرانسوی و اروپا قرار داده و با استناد به شعارهای انقلاب فرانسه، یعنی آزادی، برابری و همبستگی (برادری) با وقاحت اعلام می‌کند که به زودی لویج جدید برای محدود کردن زندگی عادی مسلمانان در فرانسه تقدیم مجلس آن کشور خواهد کرد.»

محمدجواد لاریجانی در واقع طرح رییس‌جمهوری فرانسه در مقابله با گروه‌های اسلامی در فرانسه را مورد حمله قرار داده و گفته است که هدف رییس‌جمهوری فرانسه «حل شدن جامعه مسلمانان در زندگی منحنط‌الحادی (سکولار) غربی است».

لاریجانی انتشار کاریکاتورهای محمد توسط نشریه فرانسوی «شارلی ابدو» و قتل فجیع آموزگار فرانسوی را «از محصولات و دست‌پخت‌های همین سکولاریزم غربی» خوانده که به گفته او امانوئل ماکرون از خلال مقابله‌اش با «جدایی‌خواهی» اسلامی «با حرارت از آن دفاع ایدئولوژیک می‌کند.» او جمهوری و رییس‌جمهوری فرانسه را متهم کرده که به اسم آزادی و آزادی بیان «توهین به مقدسات مسلمانان» را جایز می‌شمارد ولی «تردید در درستی هولکاست را هدف پیگرد قانونی قرار می‌دهد.»

لاریجانی در پایان ادعا کرده است: «ظاهراً الحاد معاصر غربی به آخر خط نزدیک شده است!»

ایرنا، خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران، با انتشار خبری کوتاه پس از سربریده شدن سامونل پتی، آموزگار فرانسوی، توسط یک تروریست اسلامی چینی نوشت، این جنایت نتیجه «اهانت» نشریه شارلی ابدو به پیامبر مسلمانان است که به گفته «ایرنا» با انتشار کاریکاتورهای محمد دارد «با انبار باروت بازی می‌کند.»

در پی انتشار این کاریکاتورها، علی خامنه‌ای، رهبر حکومت ترور و وحشت اسلامی ایران، در بیانیه‌ای اقدام نشریه فرانسوی را «عمل دشمنانه سیاستمداران و رهبران فرانسوی، صهیونیسم و دولت‌های غربی علیه اسلام و مسلمانان خواند» و «ملت‌های مسلمان به‌ویژه مسلمانان غرب آسیا» را فراخواند که این «گناه» و «جرم بزرگ و دشمنانه» و «نابخشودنی» را «هرگز فراموش نکنند.» به عبارت دیگر رهبر حکومت اسلامی ایران، خامنه‌ای فراخوان آشکاری برای ترور دست‌اندرکاران هفته‌نامه «شارلی ابدو» صادر کرد!

نشریه «توسعه ایرانی» نیز مدعی شد که این قبیل جنایت‌ها حاصل «فتنه‌ای است که برخی‌ها در غرب به بهانه آزادی بیان و عقیده برپا کرده‌اند.» یعنی کسانی که به ادعای این نشریه «در اهانت کردن به مقدسات مسلمانان بی‌محابا عمل می‌کنند» و به «بهانه آزادی بیان» از حمایت دولت فرانسه به‌ویژه حمایت‌های مکرر رییس‌جمهوری این کشور، امانوئل ماکرون، نیز برخوردارند.

نشریه «توسعه ایرانی» پیش‌بینی کرده که در نتیجه ادامه این قبیل حمایت‌ها «شرایط وخیم‌تر خواهد شد.»

روزنامه «توسعه ایرانی» سپس همانند سران حکومت‌شان مدعی شده که «آزادی بیان» بی‌معنا است اگر «امنیت ملی را به خطر باندازد.» این نشریه از این نیز فراتر رفته و کلیه دولت‌های غربی از جمله آمریکا، فرانسه و انگلستان را به جانب‌داری از گروه‌های تروریستی سلفی در هم‌سویی با عربستان و امارات به‌منظور مقابله با حکومت بشار اسد در سوریه یا حوثی‌ها در یمن متهم کرده و تاکید کرده است «تا زمانی که اروپا قدر نقش و ارزش جان‌بازی‌های حزب‌الله، حشدالشعبی و نیز انصارالله را در یمن نداند، باز هم ضربات پیش‌تری دریافت خواهد کرد.»

نشریه «توسعه ایرانی» از کشورهای اروپایی و آمریکا خواسته است که عملکرد خود را پس از سرکوب داعش در سوریه و عراق مورد بازبینی قرار دهند. این نشریه تلویحاً خواستار حمایت این کشورها از «سپاه تروریستی قدس» در منطقه نیز شده و با اشاره به قتل فرمانده این سپاه ترور، قاسم سلیمانی، توسط ارتش آمریکا نوشته است: «حق این بود که اروپایی‌ها ترور ناجوانمردانه (قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس) را که همواره در خطوط مقدم جنگ علیه تروریست‌ها حضور داشتند، دست کم محکوم می‌کردند.»



بی‌شک در جهان امروز، یکی از مهم‌ترین مسئله‌ای که مشغله بخش عظیمی از مردم جهان را به‌خود معطوف ساخته، مسئله آزادی عقیده و بیان و اندیشه است. کرامت انسان را باید در این دید که انسان در گزینش هر نوع باور، و در نشر و گسترش آن، آزاد باشد و هیچ شخص و مقامی و حکومتی نتواند انسان را به‌خاطر عقیده و اندیشه‌اش نکوهش کند و یا از تبلیغ و دعوت به آن، جلوگیری نماید. آزادی بسیار گسترده و چشم‌گیر است.

اما آزادی در اسلام و هر نوع آزادی در محدوده حفظ حقوق و تکالیف الهی است، در حالی که «خدا» وجود خارجی ندارد و به کلی ساخته و پرداخته ذهن بشر است. به عبارت دیگر خدا انسان را پدید نیاورده، بلکه کاملاً برعکس ذهن انسان خدا را آفریده است.

چه‌قدر زشت و چندان‌آور و وحشتناک است که در قلمرو آزادی، «الهی» در نظر گرفته شود، و انسان به‌جای تفکر، سرنوشت و قضا و قدر خود را به چیزی به‌نام «الهی» بسپارد.

تازه افراد و گروه‌های و حکومت‌های اسلامی، به‌نام همین شینی تخیلی و نامعلوم و نامفهوم و من‌درآوری هرگونه جنایتی که بر ذهن علیل‌شان می‌رسد با «افتخار» بر سر بشر می‌آوردند و هم‌زمان خدایشان را شکرگزار می‌شوند! این افراد و گروه‌ها و حکومت‌ها در عین‌حال شهادت‌ترین و تبه‌کاران و وحشی‌ترین و جانی‌ترین اعمال و افکار را دارند که ربط چندانی به شهروندان عادی مسلمان ندارند.

سران حکومت اسلامی در این چهار دهه گذشته هر لحظه و هر روز مرتکب جنایت علیه بشریت شده‌اند و حکومت «من» را حکومت «خدا» می‌نامند به همین دلیل جرم و جنایت‌شان پایانی ندارد.

جووانانی که آزادی بیان را، یک اندیشه «غربی» و «انحرافی» می‌انگارند، حتی نه قرآن و نه صفحات تاریخ اسلام را ورق نزده‌اند، بلکه آن‌ها تحت تاثیر سنت‌ها و تحریک‌های آخوندها و گروه‌ها و حکومت‌های مرتجع و تاریک اندیش اسلامی قرار دارند. کسانی مانند خمینی «بچه‌بازی» و یا با رجعت به سنت پیامبرشان محمد تجاوز به دخترچه‌های ۸ یا نه ساله را مجاز می‌دانند اکنون نیز جوانان ۱۴ و ۱۵ و ۱۸ ساله را مامور سر بریدن معلم آزادی بیان کرده‌اند چرا که به خوبی می‌دانند که آن‌ها به دلیل زیر ۱۸ سال بودن مجرم نشاخته نمی‌شوند. اما حکومت اسلامی ایران هم کودکان را در صفوف سپاه قدس و سپاه و بسیج و سربازان گمنام «امام زمان» جنگجو و آدمکش بار می‌آورد و هم کودکی که به دلایل مختلف مرتکب قتل شده است را اعدام می‌کند.

لازم به یادآوری است که خمینی بیان‌گذار حکومت اسلامی ایران، تنها سردمدار حکومتی در جهان بود که به‌طور رسمی و علنی تروریسم دولتی را با صدای بلند به جهانیان اعلام کرد و با قدرت نیز به اجرای ترور مخالفین خود و هدف‌های دیگر پرداخت. این سیاست وحشت و ترور و اعدام حکومت اسلامی ایران تا به امروز ادامه دارد.

خمینی با فرمان‌های دو سه سطر، از جمله فرمان اعدام سران حکومت پهلوی رهبر حکومت اسلامی ایران، حجاب اجباری زنان رهبر حکومت اسلامی ایران، حمله به کردستان، اعدام و ترور همه مخالفین در داخل و خارج کشور، کشتارهای دهه شصت به‌ویژه کشتار هزاران زندانی اسیر در اسارت‌گاه‌های (زندان‌ها) سراسر کشور، فتوای قتل سلمان رشدی تنها به‌دلیل نوشتن و انتشار رمان «آیات شیطانی» و... را صادر کرد.

حکومت اسلامی در راسی همه آیت‌الله خمینی بر رشد و گسترش اسلامیسیم در منطقه و جهان ورزید و به‌عنوان رهبر یک حکومتی تروریسم دولتی را رسماً و علناً اعدام کرد. او به بهانه توهین به مقدسات به‌ویژه یکی از شناخته‌شده‌ترین آن‌ها در اروپا، یعنی فتوای قتل سلمان رشدی (۱۹۸۹) که در سال ۱۹۹۱ به قتل هیتوشی ایگاراشی، مترجم ژاپنی آیه‌های شیطانی انجامید، قتل تتو وانگوگ در هلند (۲۰۰۴)، زخمی کردن مترجم نروژی کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی و اخیراً نیز کشتار اعضای تحریریه چارلی (۲۰۱۵) است.

تروریست‌ها و خشونت‌طلبان اسلامی، هر کسی که دین و مذهب و بینان‌گذاران آن‌ها و همچنین چهره‌های اسلامی همچون محمد و علی گرفته تا خمینی و البغدادی را نقد و اعمال آن‌ها را رد کنند «توهین به مقدسات» نامیده و ریختن خود شخص منتقد را بر مسلمانان واجب و ضروری می‌دانند. و با این استدلال ساده دست به جنایت و آدم‌کشی می‌زنند.

البته باید تاکید کنیم کسانی چون البغدادی و سران سایر گروه‌های تروریستی اسلامی با هر تفاوت و جایگاهی که دارند شاگردهای خمینی و خامنه‌ای محسوب می‌شوند و کل نیروهایشان نیز به گرد حتی سپاه قدس حکومت اسلامی نیز نمی‌رسند.

جالب آن است که برخی گروه‌ها و حتی برخی روشنفکران، نه تنها بر این همه وحشی‌گری گروه‌ها و حکومت‌های اسلامی چشم می‌بندند، بلکه به نقد و طرد این جنایات مفهوم «اسلام‌ستیزی» می‌دهند! ما اوج این‌گونه جنایات اسلامی را حتی در کشتار زندانیان سیاسی نیز دیده‌ایم که نماز نخواندن و بی‌اعتقادی به اسلام از جمله دلایل این قتل‌عام چندین هزار زندانی سیاسی در سال ۶۷ با فرمان جنایت‌کارانه خمینی بوده است. همچنین تجاوز به دختر «باکره» قبل از اعدام می‌توانیم اشاره کنیم. چرا طبق قوانین جنایت‌کارانه و خرافی اسلامی، اگر دختری باکره اعدام شود به بهشت می‌رود نه جهنم، بنابراین زندان‌بانان و عوامل حکومتی موظفند قبل از اعدام به او تجاوز کنند. حالا اگر کسی این جنایات علیه بشریت را نقد کند باید کشته شود. این منطق الهی و حکومت محمد و علی در صدر اسلام و خمینی و خامنه‌ای و غیره در عصر حاضر.

باید توجه کنیم که سال‌هاست در مجامع جهانی، دیکتاتورها و مرتجعان مذهبی می‌کوشند تا نقد و توهین به مذهب را به قول خامنه‌ای «جرمی نابخشودنی» قرار دهند و حق کفرگویی و غیرمذهبی و آتئیستی را از حیطة آزادی بیان خارج کنند.

به این ترتیب یکی از مهم‌ترین چالش‌های بشر در عصر حاضر، نقد پیگیر مذهب و تحلیل مضرات آن به‌ویژه برای دخترچه‌ها است. در شرایط امروز، اگر نتوانیم عرصه علم و دانش و هنر جهان‌شمول انسان‌دوستی را از حیطة دین و ایمان و عقیده تفکیک کنیم، رشد تفکر انتقادی و خلاقیت علمی و هنری زیان‌های جبران‌ناپذیری خواهد دید و جهل و جنون و جنایت اسلامی باز هم شدیدتر خواهند شد.

علی خامنه‌ای، رهبر آدمکشان و تروریست‌های حکومت اسلامی ایران، انتشار دوباره این کاریکاتورها را «گناه بزرگ و نابخشودنی» توصیف کرد.

خامنه‌ای در این بیانیه، اقدام تشریحی فکاهی فرانسوی را «اهانت» به پیامبر اسلام ارزیابی کرده و آن را نشانه «عناد و کینه شرارت‌بار دستگاه‌های سیاسی و فرهنگی دنیای غرب با اسلام» دانسته است که بنا بر تحلیل او از «سیاست‌های عمیقاً ضداسلامی صهیونیست‌ها و دولت‌های استکباری» ناشی می‌شود.

خامنه‌ای همچنین امتناع سیاستمداران فرانسوی از محکوم کردن این اقدام را «بهانه» قرار دادن آزادی بیان توصیف کرده که به تعبیر او «کاملاً مردود و غلط و عوام‌فریبانه است.»

خامنه‌ای در پایان بیانیه تهدیدآمیز خود از مسلمانان جهان خواسته تا ضمن حفظ هوشیاری خود هرگز «دشمنی‌های سیاستمداران و سردمداران غربی نسبت به اسلام» را فراموش نکنند.

باین ترتیب در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی علاوه بر مقدسات اسلامی حتی توهین به سران و مقامات و نهادهای حکومتی نیز جرم بزرگی محسوب می‌شود. حکومتی که بنیان‌گذار و رهبرش رسماً تروریسم دولتی را با صدای بلند اعلام کرد و به گروه‌های تروریستی اسلامی مستقیم و غیرمستقیم خط داد.

ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی که جایگزین ماده ۸۷ قانون تعزیرات اسلامی ۱۳۶۲ است، می‌گوید: هر کس با توجه به سمت یکی از روسای سه قوه یا معاونان رییس‌جمهور یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کاکنان وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.

«مجازات جرم ساب‌النبی» در اسلام، قتل است و گفته شده است که قتل او بر هرکس که از آن آگاهی یابد، جایز است. یعنی آشکارا تبلیغ و ترویج علنی تروریسم اسلامی!

در واقع شخصی که از این طریق به «پیامبر اسلام(ص) و هریک از انمه طاهرین(ع) توهین می‌کند»، همانند یک «مرتد» دانسته می‌شود و به مجازات مرگ محکوم می‌شود.

مطابق قوانین حکومت اسلامی ایران، اهانت به مقدسات جرم تلقی می‌شود. در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیاء عظام یا انمه طاهرین(ع) یا حضرت صدیقه طاهره(س) اهانت نماید اگر مشمول حکم‌ساب‌النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

همچنین در قانون مجازات اسلامی اهانت یک عنوان مجرمانه کلی در ماده ۶۰۸ پیش‌بینی شده و مصادیق فراوانی دارد. به‌جز توهین به مقدسات، اهانت به بنیان‌گذار حکومت اسلامی و رهبر این حکومت در ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی جرم تلقی می‌شود.

خمینی، بنیان‌گذار حکومت اسلامی ایران در ۲۵ بهمن ۱۳۶۷-۱۴ فوریه ۱۹۸۹ حکم قتل سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی را به دلیل توهین به مقدسات مسلمانان صادر کرد. این فتوا تا به امروز به قوت خود باقی است. سیدعلی خامنه‌ای، رهبر فعلی حکومت اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۸۳ این حکم را «تغییر ناپذیر» خواند. این مسئله تا آنجا پیش رفت که برخی از نهادهای دولتی حکومت اسلامی ایران برای کشتن سلمان رشدی یا ناشران و مترجمان آثار او جایزه تعیین کردند.

در سال ۱۹۹۱ هیتوشی ایگاشی، مترجم ژاپنی کتاب آیات شیطانی با ضربات چاقو به قتل رسید. مدت کوتاهی پس از آن، مترجم ایتالیایی این کتاب با چاقو مورد حمله قرار گرفت ولی جان سالم به در برد. آخرین قربانی این فتوا ناشر نروژی کتاب بود که در سال ۱۹۹۳ در اثر حمله مسلحانه زخمی شد.

چند دانشجوی دانشگاه امریکبیر در سال ۲۰۰۷-۱۳۸۶ به‌دلیل انتشار مقالاتی مبنی بر این‌که هیچ انسانی، حتی محمد پیامبر مصلون از خطا نیست، بازداشت شدند.

امیدرضا میرصیافی، فعال فرهنگی و وبلاگ‌نویس ایرانی از سوی دادگاه انقلاب اسلامی ایران به اتهام انتقاد از رهبران دینی(روح‌الله خمینی و علی خامنه‌ای) به دو سال حبس محکوم شد و در سن ۲۸ سالگی در زندان اوین درگذشت. مقامات ایران علت مرگ وی را خودکشی اعلام کردند.

محسن نامجو، خواننده ایرانی در خردادماه ۲۰۰۹-۱۳۹۹ به‌دلیل انتشار یک ترانه مبنی بر استهزا قرآن به‌صورت غیابی محاکمه شد. وی پیش‌تر از انتشار این ترانه عذرخواهی کرده بود.

انتشار ترانه «نقی» از سوی شاهین نجفی در بهار سال ۲۰۱۲-۱۳۹۱ واکنش‌هایی گسترده‌ای را از سوی روحانیون دولتی برانگیخت و برخی او را مرتد و در حکم سب‌النبی(دشنام به پیامبر) خوانده و قتل وی را بر مسلمانان واجب دانستند. با این وجود این مسئله تاکنون به‌صورت رسمی در دادگاه مطرح نشده است.

سینا دهقان و سهیل عربی از دیگر کسانی هستند که به دلیل اهانت به مقدسات در شبکه‌های اجتماعی محاکمه و به اعدام محکوم شدند. این دو هم‌اکنون در زندان به سر می‌برند. به‌ویژه حکومت اسلامی هم اکنون سهیل عربی را در شرایط دشوار و خطرناکی قرار داده است.

...



موارد «توهین به مقدسات» در ایران به این تعداد محدود نمی‌شود و این‌ها تنها موارد شناخته و اعلام شده در همین زمینه هستند. حکومت اسلامی ایران بسیاری از منتقدان و مخالفان سیاسی خود را نیز به جرایمی نظیر توهین به «مقدسات» متهم می‌کند. و حتی به دست جوخه‌های مرگ می‌سپارد.

آیا در مقابل این حکومت و حکومت‌هایی شبیه این که این‌همه علیه بشریت مرتکب جنایت می‌شوند، مخالفین خود را با اتکا به قوانین اسلامی، فردی و جمعی کشتار و ترور و اعدام می‌کنند، دست و پا می‌برند، چشم درمی‌آورند و سنگسار می‌کنند باید

احترام گذاشت؟ باید به سرکوب سیستماتیک زنان که ریشه در ایدئولوژی اسلامی دارد و حتی می‌توان طبق قوانین اسلامی و سنت شخص محمد که دختر بچه هفت ساله را به عقد مردان متجاوز اسلامی درآورد و تجاوز کرد، احترام گذاشت؟! زمانی می‌توان از نقد پیگیر و دایمی مذهب دست برداشت که این باور به معنای واقعی امر خصوصی افراد تبدیل شود و هیچ دخالتی در امور فرهنگی و سیاسی و حقوقی کشور نداشته باشد. به دختر بچه‌ها و زنان آزار نرساند. در غیر این صورت هیچ انسان متفکر و روشنگر نباید مرعوب تهدید و ترور و اعدام حکومت‌ها و گروه‌های اسلامی تروریستی شود. چرا که در راه مبارزه برای آزادی همگان، بهایی دارد که باید آگاهانه و داوطلبانه پرداخت!

آزادی به معنای واقعی دارای ابعادی گوناگونی است که جنبه‌های مختلف زندگی انسانی را پوشش می‌دهد مثل آزادی سیاسی حقوق اجتماعی و فردی بیان و اندیشه و عمل و غیره که هر یک نقشی خاص و ویژه‌ای در روند تکامل شخصی انسان‌ها در اجتماع دارد و او را قادر می‌سازد تا توانایی‌های لازم را کسب کند.



در حالی که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، تروریسم دولتی تقدیس می‌شود اما در تونس یک نماینده مجلس به دلیل دفاع از قاتل معلم فرانسوی، تحت تعقیب قرار گرفته است.

دادستانی کل تونس دستور تحقیق درباره مواضع و اظهارات «راشد خیاری» را صادر کرده است. این نماینده پارلمان در حساب فیس‌بوک خود از قتل فجیع یک معلم تاریخ در حومه پاریس دفاع کرده است.

محسن دالی، سخن‌گو و معاون دادستانی کل تونس، نیز در بیانیه‌ای گفته است که از نظر قانونی اظهارات خیاری می‌تواند جرم تروریستی ارزیابی شود. قانون کیفری تونس توجیه و تجلیل از تروریسم را ممنوع کرده و برای چنین عملی تا پنج سال زندان در نظر گرفته است.

راشد خیاری روز شنبه ۱۷ اکتبر در صفحه فیس‌بوک خود نوشته بود: «توهین به پیامبر اسلام بدترین گناه ممکن است و هر کس این گناه را مرتکب شود باید عواقب آن را بپذیرد.»

پس از واکنش‌های انتقادی از او به خاطر دفاع از قتل فجیع یک آموزگار فرانسوی، خیاری بی‌شرمانه در پست دیگری نوشت: «امکان دارد که من از نمایندگی و مصونیت پارلمانی کوتاه بیایم، اما از جرم توهین به پیامبر اسلام همچنان ابراز تنفر می‌کنم. حضرت رسول مهم‌تر از سیاست و پارلمان و تمام عالم است.»

راشد خیاری، نماینده مستقل پارلمان تونس پیش از این نیز به خاطر پشتیبانی از اسلام افراطی جنجال برانگیز شده بود. او در تونس به خاطر مواضع افراطی بر ضد زنان و قوانین سکولار شناخته شده است.



در چنین شرایطی، یک بحث اصلی و اساسی این است که آزادی از دیدگاه گروه‌ها و حکومت‌های اسلامی و روحانیون چگونه است؟ دیدگاهی که همین امروز نیز مسئله مهم بشر و آزادی‌هایش است.

بررسی‌ها و تحقیقات نشان می‌دهند اغلب جوانانی که به تروریسم مذهبی روی می‌آورند، پیش از این سرخورده شده و یا بزه‌کار بودند. در مجموع در زندگی به جایی نرسیده‌اند. روی آوردن به جهاد به آن‌ها اعتماد به نفس می‌دهد و در آن‌ها این توهم را ایجاد می‌کند که زندگی‌شان به بطلت نگذشته، و برای هدفی ارزشمند تلاش می‌کنند و حتی به خاطر هدف جان خود را فدا می‌کنند. احتمالاً اگر امکانات و افکار بهتری در اختیار آن‌ها قرار می‌گرفت، ممکن بود به آن ایدئولوژی گرایش پیدا نکنند.

اما یکی از دلایل مهم گرایش جوانان به ویژه خارجی‌تبار در عزم به ترور مذهبی، فقر و تبعیض اجتماعی یا رویدادهای آسیب‌زنی در دوران کودکی آن‌هاست. اغلب این جوانان در حاشیه کلان‌شهرها در مکان‌های فقیرنشین زندگی می‌کنند.

اما در عین حال نمی‌توان به اعتبار چند نفر تبه‌کار میلیون‌ها شهروند را از امکانات اجتماعی محروم کرد و تبعیض‌های بیش‌تری را به آن‌ها تحمیل کرد.

گاهی برخی رسانه‌های راست افراطی مدعی‌اند که، نه فقط مسلمانان و بیگانگان، بلکه سوسیالیست‌ها، لیبرال‌ها، پروتستان‌ها، یهودی‌ها، کولی‌ها و... همه دشمنان مردم فرانسه‌اند. چنین مواضعی خشونت بر علیه خارجی‌تباران و مسلمانان مهاجر را تشدید می‌کند و افکار عمومی را علیه آن‌ها تحریک می‌کند.

به این ترتیب این رسانه‌ها، به تبعیض و نژادپرستی در جامعه دامن می‌زنند. گفته‌ها و نوشته‌های جریان‌های راست و نژادپرست بر ضد پناهجویان و حق تابعیت مهاجران در کشورهای میزبان، عملاً ذهن و فکر جوانان مذهبی را به سوی گروه‌های مذهبی تروریستی سوق می‌دهند.

دهه‌هاست که «تروریسم اسلامی» در سطح بین‌المللی معروف شده است. گروه‌هایی حاضرند با بمب و مسلسل و برای دفاع از مقدسات دینی خود، به راحتی آب خوردن آدم بکشند.



سئوال اساسی‌تر دیگر این است که هر لحظه و هر روز حکومت‌های اسلامی و روحانیون زنان آزادی‌خواه و برابری‌طلب، همجنس‌گراها، آتیه‌سبست‌ها و حتی مذاهب دیگر را تهدید کنند. روحانیون، حتی از طریق بلندگوهای مساجد به تحریک جوانان مسلمان می‌پردازند که در همه کشورهای اروپای فعالند و حتی از دولت‌های اروپایی کمک‌های مادی و معنوی نیز دریافت می‌کنند. بخش عمده این مساجد وابسته به حکومت اسلامی ایران، حکومت ترکیه، حکومت عربستان و غیره هستند.

با این وجود کشیدن کاریکاتور تخیلی هنرمندی از چهره‌های اسلامی همچون محمد، خلفای راشدین، ۱۲ امام شیعیان و...، نه تنها باید حرام یا ممنوع باشد، بلکه هر فرد و گروه مسلمانی خشونت‌طلبی به خودش اجازه دهد تا چنین هنرمندان و نویسندگان را ترور و یا حکومت‌ها ترور و اعدام کنند!؟

واقعا چه کسی به آن بخش از مسلمانان و حکومت‌های اسلامی، حق داده است که افراد اسلامی را آنچنان تحریک کنند تا به هدف‌های عمومی و بی‌دفاعی چون مراکز خرید و تجمع مردم، دفتر رسانه‌ها، کتاب‌فروشی‌ها، ایستگاه‌های قطار، نمایشگاه‌ها و... با بمب و اسلحه‌های خودکار حمله کنند و بی‌رحمانه و وحشیانه زن و بچه، پیر و جوانان، سیاه و سفید را بکشند؟ اگر دین مجموعه‌ای از باورهاست بنابراین بحث درباره این باورها، بحث در حوزه آزادی بیان و انتقاد و عقیده‌ها است نه بحث در حوزه قضایی در باره این یا آن شخص حقیقی و حقوقی. آن‌هم در حالی که آسمانی فکرکردن و تقدس‌دهی و از خودبیگانگی انسان و جوامع انسانی را از علم و دانش و پیشرفت بشری عقب نگه می‌دارد و مطلقا به‌نفع بشریت نیست. اگر نقد مقدسات و مبنای اسلام «توهین» تلقی شود، هر حکومتی و گروهی و هر دین‌داری می‌تواند خود را در جایگاه قاضی و مجری قرار دهد و به طرف مورد نظر یورش ببرد و حتی او حذف فیزیکی و ترور کند.

اگر هر شهروندی حق داشته باشد عقاید خود را آزادانه و بدون ترس بیان کند دیگران مجازند او را نقد کنند. آزادی بیان و عقیده، در هر قالبی که بیان شود، از کتاب، مقاله و سایر اثر هنری از جمله کاریکاتور تا اثر ادبی، حاصل تفکر و تخیل انسان‌های متفکر است که در تلاشند به نیازها و خواسته‌ها بر حق و عادلانه بشری تاکید ورزند و لخت و عریان در مقابل چشمان همگان قرار دهند.

در حقیقت آن‌چه که نزد کسی مقدس است در نزد دیگری هیچ نیست. اما هر دو حق دارند نظر خود را در قالب دل‌خواه خود بیان و آزادانه اشاعه دهند.



آزادی بیان و اندیشه خدشه‌ناپذیر است و به همین دلیل نباید هیچ عذر و بهانه‌ای را برای محدود کردن آن پذیرفت. مردم نباید به فردی و حزبی و دولتی اجازه دهند که آن را نقض کنند.

علم و مذهب در طول تاریخ بشر در مقابل هم قرار گرفته و جنایات مذاهب علیه بشریت بی‌شمار و هولناک و تکان‌دهنده است. کلیساها و اسقف‌ها حرکت‌های علمی را مخالف آرمان‌ها و منافع خویش می‌دیدند و از سویی از تحلیل و ارائه جواب برای دانشمندان به‌شدت عاجز بودند. به‌همین دلیل سیاست‌زور را پیش برده و دانشمندان و کاشفان و مخترعین را زنده‌زنده به آتش کشیده یا زیر خاک مدفون کردند. در واقع حرکت رنسانس طغیانی بود علیه باورها و عملکردهای کلیسا که عقل و عقلانیت را مردود می‌دانست. این جنبش به این دلیل راه افتاد که در قلمروی حاکمیت اسقف‌ها و کلیساها، حتی ابتدایی‌ترین حقوق انسانی نیز نادیده گرفته بودند. این حرکت روشنگر و عقلانی با تکیه بر اصل انسانی و برابری آن را از ضروریات حیات بشری می‌دانست و در راس این ضروریات آزادی قرار داشت. این امر موجب شد که آزادی‌های فردی و جمعی و بهره‌برداری هرچه بهتر و بیش‌تر و انسانی‌تر از آن به‌عنوان مینا نگرسته شود.

توسعه دایره مالکیت کلیساها که با همکاری اسقف‌ها به‌وجود آمده بود زمینه‌ای را به‌وجود آورده بود که کلیساها در هر جا ثروت‌مندترین به حساب آیند و این امر عملا انسان‌ها را به بردگانی تبدیل کرده بود که اجبارا باید روی زمین‌ها کار کنند و به این امر تا بدان‌جا به پیش رفتند که انسان‌ها را به‌همراه زمینی که روی آن کار می‌کردند.

سرانجام با پیروزی انقلاب‌ها و حرکت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی رنسانس پایه‌های حاکمیت استبدادی قیصرها و اسقف‌ها برچیده شد و کلیساها نیز به حاشیه رانده شدند. و خواست مردم حاکمیتی بود که فقط متکی به دانسته‌های انسان و در خدمت انسان باشد.

بی‌گمان آزادی عمل شهروندان در تعیین سرنوشت خویش و اشتراك در تصمیم‌گیری‌های کشور و مشارکت عمومی در امور اقتصادی سیاسی و اجتماعی دیپلماسی و غیره امری مهم و حیاتی است و همچنین آزادی‌های مدنی، بیان، قلم اجتماعات، اعتراض و اعتصاب، تشکیل شورا، انجمن‌ها و کانون‌های دموکراتیک، احزاب و مطبوعات و رسانه‌های جمعی و... در هر صورت آزادی بیان و قلم و اندیشه، از اساسی‌ترین نیازهای انسان است و نقشی مهم در تفاهم و انتقال اندیشه و همبستگی انسانی دارد و مهم‌ترین اصول در نهادینه کردن اندیشه آزاد و انسانی به شمار می‌رود. نبود آزادی بیان در واقع زمینه‌سازی برای ویرانی و خسارت‌های جانی و مالی و فرهنگی می‌گردد که از سوی حکومت‌های و گروه‌های استبدادی فاشیستی، میلیتاریستی و مذهبی هدایت می‌شود. بنابراین پاس‌داشت آزادی و کرامت انسانی وظیفه آگاهانه همگانی شهروندان جوامع مختلف است و ضرورت دارد که از آن، همانند گوه‌ری مواظبت کرد.



بر اساس آخرین رده‌بندی جهانی آزادی رسانه‌ها که توسط گزارشگران بدون مرز منتشر شده است، حکومت اسلامی ایران از میان ۱۸۰ کشور در رده ۱۷۰ قرار گرفته است. همچنین اشاره شده است که در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۸ دست‌کم ۸۶۰ روزنامه‌نگار و شهروند - خبرنگار در این کشور بازداشت، زندانی و حتی اعدام شده‌اند.

چهار دهه است که کانون نویسندگان ایران به‌معنای واقعی پرچمدار آزادی بیان و اندیشه برای همگان در ایران است و اعضای فعال و سرشناس آن نیز آگاهانه بهای این پرچمداری و مبارزه پیگیر خود علیه سانسور و سرکوب و اختناق را پرداخته‌اند. این کانون به‌عنوان یک نهاد فرهنگی-مستقل و غیر انتفاعی، متشکل از نویسندگان مستقل ایران با هدف مبارزه با سانسور در همه ابعاد آن و دفاع از آزادی بیان برای همگان بی‌هیچ حصر و استثناء، در سال ۱۳۴۷ از سوی برخی نویسندگان مستقل آن سال‌ها بنیان‌گذار شده است. این نهاد دموکراتیک نویسندگان و هنرمندان و مترجمان، با تکیه بر عزم و توانایی اعضای متعهد خود در دوره‌های مختلف و تاکید بر استقلال خود از قدرت در همه دوره‌ها، تحقق اهدافش را پیگیری کرده و طی گذشت نزدیک به نیم قرن از فعالیت‌هایش، با وجود فراز و نشیب و ممنوعیت‌های فراوان، تا جایی که در دوره‌ای به کشته‌شدن چند تن از شریف‌ترین و متعهدترین یارانش توسط ماموران وزارت اطلاعات حکومت اسلامی ایران منجر شد، با پایداری و عزم راسخ همچنان به مقاومت و مبارزه خود علیه سانسور و دفاع از آزادی بی‌حد و حصر بیان و اندیشه برای همگان ادامه می‌دهد. کانون مبارزه با

سانسور و دفاع از آزادی بیان را از اساسی‌ترین مطالبات صنفی نویسندگان دانسته و تلاش مستمر تا تحقق این اهداف را وظیفه همه نویسندگان و شاعران متعهد و مستقل جامعه می‌داند.

مواضع کانون نویسندگان ایران، به‌طور رسمی از طرف هیئت دبیران کانون و مطابق اساسنامه و منشورش، تنظیم و اعلام می‌شود و در هر شرایطی از طریق اطلاعیه‌ها و بیانیه‌هایش است که به اطلاع همه می‌رسد.

اخیرا کانون نویسندگان ایران در بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن انتقال سه تن از اعضای خود به زندان اوین، اعلام کرد که زندانی کردن سه نویسنده و سایر متهمان عقیدتی و سیاسی در شرایط شیوع کرونا معنایی جز این ندارد که مسئولان امنیتی و قضایی می‌خواهند معترضان و مخالفان را به قربانگاه بفرستند.

در این بیانیه، کانون نویسندگان ایران تاکید کرد اجرای حکم‌های صادرشده علیه سه تن از اعضای خود را «اقدامی جنایت‌کارانه و خلاف موازین حقوق بشر» می‌داند و آن را محکوم می‌کند.

این بیانیه پس از آن منتشر شد که روز شنبه پنجم مهرماه ۱۳۹۹ رضا خندان(مهبادی) و بکتاش آبتین از اعضای هیات دبیران کانون نویسندگان ایران و کیوان باژن عضو پیشین هیات دبیران این کانون، برای اجرای احکام صادره از سوی دادگاه انقلاب تهران به زندان اوین منتقل شدند.

این سه نویسنده به اتهام «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور» که مصادیق این اتهام‌ها «انتشار نشریه داخلی کانون، مشارکت در تدوین کتاب تاریخچه کانون و صدور بیانیه‌ها و حضور در مراسم سال‌گرد محمدجعفر پوینده، مجد مختاری و احمد شاملو» عنوان شده، با حکم دادگاه انقلاب تهران به زندان محکوم شده‌اند.

در چنین شرایطی مبارزه در راه آزادی بیان و اندیشه و تشکل و اعتراض و اعتصاب در ایران، آزادی سه عضو کانون نویسندگان و همه زندانیان سیاسی و اجتماعی، نیازمند مشارکت همگانی و جنبش‌های اجتماعی است. چرا که آزادی بیان اساسا امری صرفا صنفی مربوط به صنف نویسنده نیست چرا که همه شهروندان جامعه بی‌استثنا به آزادی بیان و آزادی تشکل نیاز مبرم دارند.

در پایان لازم به تاکید است که «کرامت انسان»، احترام به شخصیت و موجودیت او و اراده انسان و این‌که هیچ‌کس بر دیگری سلطه‌ای ندارد، موضوع بحث و جدل و خواست بسیاری از فیلسوفان، دانشمندان، متفکران سیاسی و اجتماعی از دیرباز بوده است. مسئله کرامت انسانی از سه قرن پیش یا کمی قبل‌تر، شکل دیگری به‌خود گرفت و وارد زندگی اجتماعی انسان شد و به‌عنوان ابزاری برای حمایت از حقوق انسان‌ها در مقابل قدرت کلیساها و دولت‌ها و کسانی که بر آن‌ها سلطه پیدا کرده بودند، به کار گرفته شد.

تجربه تاریخی در این چند قرن، نشان‌داده است که به هیچ حکومتی، نمی‌توان اطمینان کرد که حقوق تمام شهروندان را کامل و مساوی و عادلانه رعایت کند. آن‌ها هرگونه خواسته‌اند بدون توجه به حقوق و نیازهای مردم تصمیم خود را گرفته‌اند. در این میان وضعیت حکومت‌های مستبدی همچون حکومت اسلامی ایران، مشخص است. وقتی یک فرد در راس هرم حاکمیت کشوری قرار می‌گیرد و او هیچ مانعی برای اراده خودش نمی‌بیند، طبیعتا به فساد و جنون قدرت کشیده می‌شود. این وضعیت با کمی تعدیل، حتی در حکومت‌های مدعی دموکراتیک نیز از بین نمی‌رود. هر حکومتی منافعی دارد که ممکن است با منافع آحاد مردم در تعارض باشد. هیچ حکومتی آن‌هم در قرن بیست و یکم، حقوق عمومی شهروندان را بر بقای خودش ترجیح می‌دهد.

در این میان، حکومت‌های مذهبی هیچ توجهی به حق و حقوق شهروندان ندارند. آن‌ها بر این تصور هستند که «حکومت ما»، حکومت «مذهبی» و محدود به اراده «خداوند» است. در همه امور مملکتی قوانین شریعت برقرار است؛ یعنی از چیزی که به نام «خدا» ساخته‌اند حکم می‌گیرند در حالی که چنین چیزی وجود خارجی ندارد و ساخته و پرداخته ذهن بشر است. برای مثال تمام قوانین ایران، متأثر از قوانین شریعت است و فراتر از آن، فرمان‌های «رهبر» بالاتر از هر قوانین حکومتی، حتی قانون اساسی آن است. برای مثال تنها در سال ۶۷، با فرمان خمینی بینان‌گذار حکومت اسلامی، هزاران انسان اسیر در زندان‌های حکومتی را به‌طور مخفیانه اعدام کردند. هنوز هم هیچ مقام حکومتی حاضر نشده محل دفن این قربانیان‌شان را به اطلاع خانواده‌های آن‌ها و جامعه برساند. بنابراین سیاست‌های سرکوب و سانسور و ترور و اعدام حکومت‌های این چنینی پایانی ندارد مگر آن که مردم با تلاش و مبارزه پیگیر و هدفمند خود به این نوع سیاست‌ها و حکومت‌ها پایان دهند و نقطه پایانی بر جهل و جنایت و فساد و تروریسم دولتی بگذارند.

بنابراین نتیجه‌ای که می‌خواهم بگیرم، آن است که هیچ‌کدام از حکومت‌های سرمایه‌داری جهان آزادی، برابری و عدالت اجتماعی را رعایت نمی‌کند. اما این وضعیت در سلطه حکومت‌های غیرغربی به‌مراتب دردناک‌تر و خطرناک‌تر است و اکثریت شهروندان این بخش از قاره‌های جهان، کمترین احساس آرامش و امنیت جانی و مالی نمی‌کنند. در چنین روندی وظیفه آگاهانه و داوطلبانه همه فعالین فرهنگی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی و جنبش‌های اجتماعی-سیاسی است که در دفاع از حقوق فردی و جمعی و آزادی بیان و قلم و اندیشه بر علیه حکومت‌ها مبارزه کنند تا وضع موجود ظالمانه و نابرابر و تبعیض‌آمیز سرمایه‌داری را به نفع مردم تغییر دهند و بر سرنوشت خویش حاکم گردند!

یاد معلم فرانسوی جان‌باخته راه آزادی بیان گرامی باد!

جمعه دوم آبان ۱۳۹۹ - بیست و سوم اکتبر ۲۰۲۰